

چرا خاطرات جنگ را منتشر نمی‌کنم؟

وقتی صحبت از فرماندهان جنگ به میان می‌آید، محسن رضایی از اولین نام‌هایی است که به ذهن متبادر می‌شود...



گفت‌وگو با دکتر محسن رضایی

چرا خاطرات جنگ را منتشر نمی‌کنم؟

وقتی صحبت از فرماندهان جنگ به میان می‌آید، محسن رضایی از اولین نام‌هایی است که به ذهن متبادر می‌شود، شخصی که در دوران دفاع مقدس، فرماندهی کل سپاه پاسداران را بر عهده داشت. اما رضایی 57 ساله، سال‌هاست که لباس نظامی را از تن به در آورده و تکلیف خود را در سال‌های اخیر، حضور در عرصه‌های دیگر از جمله سیاست دیده است. همزمان با هفته دفاع مقدس در گفت‌وگویی با فرمانده سپاه پاسداران در دوران جنگ تحمیلی به بررسی و طرح سوال درباره بعضی دیدگاه‌ها و انتقادهایی که به تاریخ جنگ وارد شده پرداختیم و فرمانده اسبق سپاه نظر خود در این باره را به صراحت با ما در میان گذاشت. رضایی در گفت‌وگویی خود با جام‌جم بر ضرورت حفظ و تقویت میراث دفاع مقدس تاکید می‌کند و معتقد است نباید به خاطر حب و بغض‌های شخصی، تاریخ پرافتخار جنگ را که یک میراث ملی است، مخدوش کرد.

دفاع مقدس، امروز به عنوان یک میراث فرهنگی ارزشمند محسوب می‌شود. در تاریخ دفاع ما فرازهایی وجود دارد که هر کدام و هر بخش آن از زاویه‌ای نگریسته شده است. به نظر شما مهم‌ترین فرازهای دفاع مقدس کدام‌ها بود و چه تاثیری در سرنوشت جنگ داشت؟

اولین فراز جنگ در حقیقت همان شروع جنگ است که در مقابل چشم جهانیان، کشوری با پشتیبانی قدرت‌های بین‌المللی از مرزهای ایران عبور کرد و وارد خاک کشور ما شد. دومین نقطه تحول، کناررفتن مدیران سیاسی کشور در مجموعه آقای بنی‌صدر و ظهور یک مدیریت جدید در صحنه جنگ بود که موجب یک مجموعه پیروزی‌های پی‌درپی در ایران شد. سومین مقطع مهم جنگ، مساله صدور قطعنامه 598 و چهارمین آن هم، پذیرش این قطعنامه یک سال پس از آن بود. مقطع مهم دیگر هم خود پایان جنگ است که ایران در آخرین روزها حملات دشمن را دفع کرد و دوباره به مرزهای بین‌المللی رسید و رزمندگان می‌خواستند ادامه دهند که حضرت امام (ره) چون قطعنامه را پذیرفته بودند، پیشروی‌های ایران را متوقف کردند و گفتند ما چیزی را که پذیرفته‌ایم زیر پا نمی‌گذاریم. اگر هر کدام از این مقاطع را بررسی کنیم دارای پیامدها و آثار خاصی هستند. مثلاً تغییر مدیریت سیاسی و نظامی جنگ به پیروزی‌های مهمی توسط رزمندگان اسلام منجر می‌شود. این بحث قابل مطالعه است که چرا ایران در سال اول هیچ پیشروی ندارد ولی در سال دوم که مدیریت جنگ عوض می‌شود این پیروزی‌ها به دست می‌آید؟ این مساله، زمینه‌های زیادی برای پژوهش و مطالعه در دل خود دارد. صدور قطعنامه بسیار جای بحث دارد. قطعنامه 598 اولین قطعنامه‌ای بود که برخی خواسته‌های ایران را در بر داشت و این سوال وجود دارد که چرا در قطعنامه‌های قبلی، چنین امتیازاتی به ایران داده نشد ولی در قطعنامه 598 تقریباً اکثر امتیازاتی که ایران می‌خواست لحاظ شد. در بحث پذیرش قطعنامه 598 این سوال مطرح می‌شود که چرا یک سال قبل که این قطعنامه صادر شد مورد پذیرش قرار نگرفت و بعد چرا حضرت امام (ره) ابتدا از آن به جام زهر تعبیر کردند اما وقتی آن را پذیرفتند از هر نوع ورود نیروهای ایران به خاک عراق جلوگیری کردند. چندی پیش دانشجویی از من سوال کرد اگر پذیرش قطعنامه 598، یک پذیرش زهرآلود بود چرا امام خمینی (ره) جلوی ورود نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را پس از پذیرش قطعنامه به خاک عراق را گرفتند. اینها همه سوالات بسیار مهمی هستند که در مقاطع مختلف وجود دارد و هر کدام از آنها جای بحث‌های بسیار مهم و جدی دارد.

الان اگر شما بخواهید به صورت مختصر به برخی از این بحث‌ها پاسخ دهید به نظرتان چرا حضرت امام (ره) ابتدا قطعنامه 598 را نپذیرفتند و یک سال بعد آن را قبول کردند؟

دلیل این مساله روشن بود چون امام (ره) به اهداف بلندتری از قطعنامه 598 نگاه می‌کرد. یعنی امام می‌دیدند که در قطعنامه 598، مرزهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و این دستاورد بسیار بزرگی بود. در این قطعنامه همچنین کمیته تعیین متجاوز و کمیته تعیین خسارات پیش بینی شده بود که اینها همگی امتیاز بودند. ولی حضرت امام به سازمان‌های بین‌المللی اعتماد نداشتند از طرف دیگر حضرت امام به مسائل بیشتر از قطعنامه 598 فکر می‌کردند و به سقوط صدام می‌اندیشیدند. برداشت امام (ره) این بود که

اگر صدام سقوط نکند هر آن ممکن است دوباره دست به جنگ بزند. ولي وقتي که يك سال بعد از صدور قطعنامه 598 شرايط عوض مي‌شود امام قطعنامه را مي‌پذيرند.

در آن مقطع شرايط چه تبديلي کرده بود؟

عراق شروع به حمله کرد و سرزمين‌هايي را که از عراق گرفته بوديم در آن يك سال آخر از دست ما گرفتند. فاو را از ما گرفتند، منطقه شلمچه، جزاير مجنون و منطقه والفجر 10 را از دست ما گرفتند و کليه پيشروي‌هايي که در آن سوي مرزها داشتيم و به منزله اهرم فشاري به عراق در اختيار ما بود از دست ما خارج شد. همين اهرم‌ها هم بود که باعث شده بود قطعنامه 598 صادر شود و آن امتيازات را به ما بدهند. امام وقتي ديدند که آنها نه تنها اهرم ما را گرفته‌اند بلکه مي‌خواهند وارد خاک ما هم بشوند لذا قطعنامه 598 را با تلخي پذيرفتند ولي اين پذيرش موجب شد که امام يك شکست را تبديل به پيروي کردند.

شما فرموديد زماني که امام(ره) قطعنامه را پذيرفتند نيروهاي ما در حال پيشروي بودند.

نه، آن وقت که ما در حال پيشروي بوديم قطعنامه 598 صادر شد. وقتي که امام در اين شرايط سخت اين قطعنامه را پذيرفت، عراق دوباره آمد و وارد خاک ايران شد. يعني ما قطعنامه 598 را پذيرفته بوديم اما آنها نپذيرفتند. اگر همان موقع که ما قطعنامه 598 را پذيرفتيم آنها نيز اين قطعنامه را مي‌پذيرفتند، آنها دست بالاتر را داشتند اما عراق يك اشتباه بزرگ تاريخي را در اين مقطع مرتکب شد و در حالي که در اوج پيروي قرار داشت وارد خاک ايران مي‌شود. اما عراقي‌ها با ورود به خاک ايران شکست سنگيني خوردند. آنها آمدند خرمشهر را محاصره کردند اما ما خرمشهر را آزاد کرديم. از غرب به کرمانشاه حمله کردند تا اين شهر را تصرف کنند ولي ما از دروازه‌هاي کرمانشاه، ارتش عراق را عقب زديم و به مرز رسيديم. حال ما در اوج پيروي قرار گرفته بوديم و مي‌خواستيم از مرزها عبور کنيم که امام(ره) دستور توقف جنگ را دادند. بنا بر اين بعد از آن تلخي پذيرش قطعنامه 598، به خاطر اشتباهي که صدام مرتکب شد اوضاع برگشت و اين ما بوديم که ضربات پي در پي به ارتش عراق وارد کرديم و شاهد بوديم که امام(ره) يك ماه بعد فرمودند ما حتي يك لحظه هم نادم و پشيمان از جنگ نيستيم. يعني آن حوادثي که اتفاق افتاد باعث شد تا امام(ره) اين جمله را فرمودند و در پيامي که خطاب به فرماندهان صادر کردند، فرمودند که شما از بهترين همراهان من در جنگ بوديد.

اين فعل و انفعالاتي که بعد از پذيرش قطعنامه توسط جمهوري اسلامي ايران رخ داد چقدر طول کشيد؟

تقريباً 10 روز.

يعني در اين 10 روز ما در موقعيت برتري نسبت به عراق قرار گرفتيم؟

بله، هم در جنوب و هم در غرب در موقعيت برتري قرار داشتيم و آماده بوديم که وارد خاک عراق شويم. اما به محض اين که ما نيروهاي عراقي را در خرمشهر سرکوب کرديم و آنها را از کرمانشاه عقب زديم و تا مرز تعقيب کرديم صدام حسين بلافاصله قطعنامه را پذيرفت و ما هم که قبلاً اين قطعنامه را پذيرفته بوديم، بنا بر اين آتش بس برقرار شد.

بعد از اين که در آن شرايط جمهوري اسلامي ايران مجدداً در شرايط برتري قرار گرفته بود و امام خميني (ره) دستور توقف جنگ را دادند آيا ديگر بحثي در ميان فرماندهان راجع به ادامه جنگ نبود؟

خير. خود حضرت امام مانع شدند.

الان تصويري از جنگ نزد برخي وجود دارد و بعضي هم تلاش مي‌کنند به آن دامن بزنند و آن اين است که به دلايل سياسي مطرح روز مثل ضديت با افراد و مسوولان وقت يا حتي شما، عده‌اي تلاش مي‌کنند کل تاريخ جنگ را به شکلي جديد بنويسند به طوري که گویا فرماندهان آن زمان به خاطر سياسي‌کاري، سوء تدبير يا حتي خيانت، جنگ را به جايي بردند که منجر به قبول قطعنامه شد. موضع شما در قبال ارائه چنين تصويري از جنگ چيست؟

تاريخ جنگ را بايد از حب و بغض‌هاي شخصي و تمايلات سياسي کاملاً تفکيک کرد. هر يك از سياست‌پويان ممکن است نسبت به فرد ديگري نظرات خاصي داشته و اعتقادات برخي را قبول نداشته باشند. نبايد اين تمايلات سياسي و حب و بغض‌هاي شخصي با جنگ مخلوط شود. افراد بايد خيلي صادقانه و صريح، سايرين را خارج از موضوع جنگ، نقد و بررسي کنند. در غير اين صورت، جنگ، وجه‌المصالحه افراد خواهد شد و يك تاريخ پرافتخار ملي، همچون يك توپ فوتبال در ميان اميال افراد رد و بدل مي‌شود. تا الان خيلي‌ها در مورد من حرف زده‌اند و در رابطه با جنگ انتقاد کرده‌اند. علت اين که من پاسخ اين افراد را نداده‌ام همين بوده است که من مي‌ترسيدم پاسخ من باعث شود خراشي به سيماي پرفروغ جنگ وارد شود يا در حقيقت، تصوير جنگ تيره و تار شود و من به

همین دلیل همیشه از پاسخ دادن به انتقاداتی که در رابطه با جنگ نسبت به من وارد می‌شود پرهیز کرده‌ام زیرا می‌ترسم این نوع دفاع به ضرر تاریخ جنگ تمام شود. حتی من نگران بودم که اگر خاطراتم را چاپ کنم این اقدام به طرح مسائل سیاسی و شخصی منجر شود و به همین خاطر سعی کردم این کار را نکنم یا کمتر انجام دهم تا خدای ناکرده به چهره جنگ آسیبی وارد نشود. زیرا جنگ یک مساله ملی و یک افتخار ملی است. حتی ملی‌گرایانی هم که مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران هستند، دفاع ایران را تقدیس می‌کنند و آزادی خرمشهر را نقطه مثبتی برای جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. این در حالی است که خودشان مخالف جمهوری اسلامی هستند، اما دفاع از وطن را ارج می‌گذارند. پس چرا باید چنین مساله بزرگی را فدای حب و بغض‌های شخصی و تمایلات سیاسی کرد. افرادی که در ارتباط با جنگ بودند هر چقدر هم که مورد قبول ما نباشند ما نباید شخص آنها را در حادثه جنگ مورد تحلیل قرار دهیم. بلکه باید آنها را ببریم و در فضاهای دیگر نقدشان کنیم و در موردشان حرف بزنیم و صحبت کنیم. مگر این که افرادی بخواهند یک حقیقت روشنی را زیر پا بگذارند که انسان ناچار شود آن حقیقت را بازنمایی کرده و توضیح دهد. به هر حال جنگ را نباید به چماقی برای تسویه حساب شخصی و تسویه حساب جناحی تبدیل کرد. این خیانت به جنگ است.

بعضی‌ها معتقدند کسانی که در جنگ حضور نداشتند حق ندارند درباره فرماندهان و برنامه‌های آنها در جنگ اظهار نظر کرده و آنها را نقد کنند. گمان نمی‌کنم چنین نظری داشته باشید. نظرتان در این باره چیست؟

من چنین نظری ندارم البته معتقدم همان‌هایی که در جنگ هم حضور داشتند اگر غیرکارشناسانه و بدون مطالعه نظر دهند با وجود این که در جنگ بوده‌اند ولی این کارشان اشکال دارد. بنابراین هر کسی که می‌خواهد درباره جنگ اظهار نظر کند باید با تحقیق و مطالعه این کار را انجام دهد چرا که جنگ دامنه وسیعی داشت مثلا کسی که در بعد لجستیکی جنگ حضور داشته است وقتی در خصوص مباحث عملیاتی اظهار نظر می‌کند باید روی اظهار نظر او تامل کرد یا اظهار نظر کسی که فرمانده گردان و لشکر بوده است در خصوص کل جنگ، اظهار نظر قابل تاملی است. بنابراین کسانی که می‌خواهند در خصوص جنگ اظهار نظر کنند باید با مطالعه و تحقیق حرف بزنند. جنگ، یک حادثه کوچک در یک نقطه محدودی نبوده و ابعاد وسیعی داشته است.

به اعتقاد شما رعایت انصاف در نقد و بررسی و مهم‌تر از همه حفظ شان نظرات حضرت امام(ره) در خصوص دفاع مقدس چگونه باید صورت بگیرد؟

به اعتقاد من حضرت امام در فرماندهی و اداره جنگ خیلی عالی و بسیار خوب حرکت کردند. ایشان در سطح کلان خیلی خوب عمل کردند و در انگیزه دادن و روحیه دادن بسیار خوب ظاهر شدند. ایشان مسائل دیپلماتی جنگ را خیلی عالی پیش بردند و در عین حال که شعارهای آرمانی را مطرح می‌کردند ولی واقع‌بینانه حرکت می‌کردند. بنابراین من تاکنون ندیده‌ام که نقدی نسبت به عملکرد و تصمیم‌های امام خمینی(ره) در جنگ مطرح شده باشد و این نقد درست و منطبق بر واقعیات باشد.

در مورد انتقاداتی که به عملکرد فرماندهان وارد می‌شود و برخی معتقدند که شماری از این عملکردها حضرت امام(ره) را مجبور به پذیرش قطعنامه 598 کرد چه نظری دارید. شما پذیرش قطعنامه 598 را تا چه حد ناشی از شرایط بین‌المللی و فشارهای بیرونی می‌دانید و نقش مسائل داخلی و عملکرد فرماندهان را در این زمینه چگونه تحلیل می‌کنید؟

رضایی: افراد باید خیلی صادقانه و صریح، سایرین را خارج از موضوع جنگ، نقد و بررسی کنند. در غیر این صورت، جنگ، وجه‌المصلحه افراد خواهد شد و یک تاریخ پرافتخار ملی، همچون یک توپ فوتبال در میان امیال افراد رد و بدل می‌شود پذیرش صادقانه و تلخ قطعنامه 598 با عنایت الهی به یک معجزه تبدیل شد یعنی امام (ره) صادقانه و بر اساس مصلحت جامعه و نظام و در سخت‌ترین شرایط جنگ، قطعنامه را با تلخی پذیرفتند. ایشان در حقیقت تصمیمی گرفتند که این تصمیم، شکست عراق را در دل خودش داشت و آن تصمیم موجب تحوّل در جنگ شد. آن تصمیم امام(ره) تحوّل در عرصه بین‌المللی به وجود آورد و به جهانیان گفت این صدام است که به جنگ ادامه می‌دهد. این موضوع نشان‌دهنده خوی تجاوزگری صدام بود و تصمیم امام، این مساله را به اثبات رساند. بعد از این‌که ما قطعنامه 598 را پذیرفتیم عراق مجدداً به ایران حمله و خرمشهر را محاصره کرد. این نشان‌دهنده خوی تجاوزگری صدام بود. اثر مهم دیگری که تصمیم امام(ره) با خود به همراه داشت این بود که 6 سال تبلیغات علیه جمهوری اسلامی ایران را خنثی کرد. زیرا بعد از آزادی خرمشهر آنها مرتب می‌گفتند ایران به عراق تجاوز می‌کند. در واقع امام خمینی(ره) با یک ضربه نهایی، 2 اثر مهم در سرنوشت جنگ گذاشتند، یکی این‌که کلیه تبلیغات این 6 سال را خنثی کرده و دیگر این‌که روحیه تجاوزگری صدام را به جهانیان نشان دادند. از طرف دیگر پذیرش قطعنامه باعث تحوّل عظیمی در جنگ شد و از مسوولان کشور، مردم و جوان‌ها همگی به جبهه‌ها آمدند و صدام دیر متوجه شد که پذیرش قطعنامه، چه انقلابی را در ایران به پا کرد. لذا بعد از این‌که نیروهای عراقی دوباره وارد خاک ایران شدند، توانایی‌های ما چند برابر شده بود و صدام را یک بار دیگر در ایران شکست دادیم. این پیروزی نظامی و آن پیروزی سیاسی، 2 ضربه مهمی بودند که پذیرش قطعنامه 598 به دشمن وارد کرد، پذیرش تلخ قطعنامه 598، پیروزی بسیار بزرگ نظامی و سیاسی را برای کشور به ارمغان آورد و لذا آخرین روزهای جنگ با پیروزی آشکار ما به پایان رسید.

پاسخ شما به انتقاداتی که نسبت به فرماندهان وارد می‌شود مبنی بر این که آنها امام (ره) را وادار به پذیرش قطعنامه کردند، چیست؟ این نظری است که به هر حال امروز از سوی برخی فعالان و تریبون‌ها مطرح شده است.

اینها عمدتاً به خاطر جهل و ناآگاهی این افراد نسبت به شخصیت امام خمینی (ره) است. چنین افرادی امام را یک فرد بدون قدرت تصمیم‌گیری تصور می‌کنند که تحت تاثیر یکی دو نفر قرار می‌گرفتند. در حالی که حضرت ایشان فرماندهان بزرگی داشتند و اگر می‌خواستند می‌توانستند آن یکی دو نفر را کنار بزنند و از افراد دیگری استفاده کنند. اگر هم بگویند که عملکرد همه افراد، مشکل داشته است که این ظلم بزرگی به انقلاب است. این در حالی است که خود حضرت امام (ره) بعد از جنگ می‌فرمایند شما فرماندهان از بهترین همراهان من بودید، امام می‌دانستند بعضی از افرادی که کمتر به جبهه می‌آمدند یا کمتر نقش داشتند در آینده شروع به انتقام‌گیری از کسانی می‌کنند که جنگ بر دوش آنها بوده است. لذا اکثر افرادی که چنین صحبت‌هایی را می‌کنند یا اصلاً در جنگ حضور نداشته‌اند یا از جنگ فرار کردند یا کسانی بودند که نقش کمی در جنگ داشتند و مثلاً در سال‌های آخر، به جبهه آمده بودند. برخی از این افراد هم کسانی بودند که در گوشه‌ای از جنگ حضور داشتند یا به آنها مسوولیتی داده شده بود و در مسوولیت‌شان شکست خورده بودند. اکثر کسانی که چنین مسائلی را مطرح می‌کنند از جمله چنین افرادی هستند. بنابراین باید ریشه چنین اظهارنظرهایی را در نوعی جهل همراه با عقده‌های روانی جستجو کرد.

بحث بعدی من راجع به راه‌های تقویت روحیه جهادی است. به اعتقاد شما چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان جهاد نظامی با جهاد اقتصادی وجود دارد؟

از نظر روحی، اینها هر دو یکی هستند و ویژگی‌های جهاد چه در بعد نظامی و چه در بعد اقتصادی، خیلی به هم نزدیک و شبیه است و می‌توان از آن جهاد نظامی برای جهاد اقتصادی استفاده کرد. مثلاً انگیزه جهادی با انگیزه عادی خیلی فرق می‌کند. انگیزه جهادی، انگیزه برای جلب رضایت خداست و کسی که در مقابله با دشمن یا در مقابل تحریم‌های اقتصادی جهاد می‌کند به دنبال کسب رضایت خداست.

این روزها شاهد موج تحولات در کشورهای منطقه و شمال آفریقا هستیم. مهم‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران در این تحولات به نظر شما چیست؟

ما چند مساله را به عنوان چالش پیش رو داریم. یکی از آنها رقابت منطقه‌ای ما مثل ترکیه و عربستان هستند. این کشورها در تلاشند که از این بیداری اسلامی، بهره‌برداری سیاسی بکنند. در حقیقت عربستان و ترکیه هر کدام با انگیزه‌های خاصی به دنبال بهره‌برداری سیاسی از این حوادث هستند لذا ما می‌بینیم که عربستان، قیام مردم بحرین را سرکوب می‌کند یا از عبدالله صالح در یمن حمایت می‌کند ولی در سوریه در کنار معترضان سوری قرار می‌گیرد. این نشان می‌دهد که دفاع از آزادی و مردمسالاری برای عربستان مهم نیست و آنها به دنبال منافع کشور خودشان هستند. یا مثلاً ما می‌بینیم که ترکیه در بعضی جاها خوب عمل می‌کند اما در جاهای دیگر کاملاً به نفع آمریکا و رژیم صهیونیستی عمل می‌کند و بعد که دقت می‌کنیم می‌بینیم که اینها به دنبال بهره‌برداری‌های سیاسی خودشان هستند. این یک چالش است و باید چالش با عربستان و ترکیه در خصوص بیداری اسلامی را به طریقی مدیریت کرد. مساله دوم خود آمریکایی‌ها هستند که با تمام امکانات و با کمک اروپا به دنبال ایجاد انحراف در حرکت عظیم بیداری اسلامی هستند. لذا ما یک مبارزه سیاسی هم با آمریکا و غرب داریم که نذاریم آنها جریان بیداری اسلامی را به سمت خودشان منحرف کنند. هدف ما این است که به معنای واقعی از استقلال، آزادی و مردمسالاری در کشورهای اسلامی دفاع کنیم و به هیچ وجه به دنبال منافع شخصی خودمان نیستیم. اگر این کشورها مستقل شوند و مردمسالاری و آزادی داشته باشند، این موضوع به نفع همه کشورهای اسلامی است.

به نظرتان راهکار تعامل ایران با دولت‌های جدید که در جریان این تحولات به وجود می‌آید، چیست؟

ایران باید فعال‌تر برخورد کند. نوعی ابهام و تردید در رفتار دولتمردان ایرانی وجود دارد و آن قاطعیتی که در مشی رهبر معظم انقلاب هست را ما در دولتمردان ایران کمتر می‌بینیم. دولتمردان ما باید قاطعانه از این امواج بیداری دفاع کنند و روابط فعال‌تری با تحولات برقرار سازند.

با غنیمت‌شمردن فرصت می‌خواهم چند سوال هم راجع به مسائل داخلی و جناح‌بندی‌های سیاسی بپرسم. اصلاح‌طلبان یک سری شروط برای حضور در انتخابات مطرح کرده‌اند و برخی نیز معتقدند که انتخابات بدون حضور این دسته از اصلاح‌طلبان، پررونق نخواهد بود. نظر شما در این زمینه چیست؟

من موافقم که همه گروه‌های سیاسی که نظام جمهوری اسلامی و رهبری را قبول دارند وارد انتخابات شوند ولی تجربه نشان داده است که گروه‌های سیاسی که با سوءظن و بدبینی وارد صحنه انتخابات می‌شوند صحنه انتخابات را چالشی می‌کنند. گروه‌های

سیاسی باید هر نوع سوءظن و بدبینی را در سطح کلان کنار بگذارند و از طریق قانونی، حقوق خودشان را دنبال کنند. لذا هر نوع سوءظن و بدبینی، موجب چالش‌های جدیدی می‌شود. پیشنهاد من این است که همه گروه‌های سیاسی، بدبینی و سوءظن را کنار بگذارند و با اعتماد به نظام وارد صحنه انتخابات شوند و فعالیت کنند تا ما انتخابات پرشوری داشته باشیم.

در مورد مذاکراتی که شما با آیت‌الله مهدوی کنی در خصوص حضور نمایندگان‌تان در جبهه متحد اصولگرایان داشتید مطالبی منتشر شد. چطور شد که شما قانع شدید در آن جبهه نماینده نداشته باشید؟

من قانع نشدم، ولی وحدت را مهم می‌دانم. داشتن نماینده را خیلی مهم نمی‌دانم. همه 7 + 8 می‌توانند نماینده ما باشند. اصولاً وحدت را برای کل کشور، امر مبارکی می‌دانم و این موضوع در خصوص اصولگرایان هم صادق است. من حدود 2 ماه است که با آیت‌الله مهدوی کنی جلسهای نداشته‌ام. بعد هم آیت‌الله مهدوی کنی در مصاحبه‌هایشان فرمودند که رضایی می‌تواند نماینده داشته باشد منتها من هیچ تلاشی برای داشتن نماینده در این جبهه نکردم.

البته ظاهراً منظور آیت‌الله مهدوی کنی این بود که شما یکی از همان افراد حاضر در ساز و کار 7 + 8 را به عنوان نماینده خودتان انتخاب کنید؟

دیگر در این زمینه صحبتی نشد که حالا آیا یکی از همان افراد، نماینده ما باشد یا این که نماینده جدیدی تعیین کنیم. آقای مهدوی کنی در این زمینه موضوع را روشن نکردند و من هم تلاشی در این زمینه انجام ندادم. البته اگر واقعا مشاهده کنیم اعضای 7 + 8 برای مشارکت دوستانی که با ما همراه هستند جدیت دارند ما هم استقبال می‌کنیم. اگر آنها جدي از ما بخواهند، به خاطر احترامی که برای آیت‌الله مهدوی کنی و جامعیتین قائلیم، تلاش در این زمینه را برای خودمان يك تکلیف می‌دانیم.

اگر این اتفاق نیفتد آیا شما فهرست جداگانه‌ای می‌دهید؟

خیر. به مصلحت نمی‌دانم که چند لیست مستقل، شکل بگیرد. اگر بتوان کاری کرد که به تشکیل يك فهرست منجر شود بسیار خوب است البته من نمی‌توانم جلوی کاندیداشدن افراد را به صورت مستقل بگیرم. من خودم به دنبال ارائه فهرست جداگانه‌ای نیستم.

به نظرتان متناسب با نظرات و دیدگاه‌هایی که دارید و ارائه می‌دهید، از تاثیرگذاری لازم در معادلات سیاسی برخوردار هستید؟

من به همه دولت‌ها کمک کرده‌ام و هیچ دولتی نبوده که به او کمک نکرده باشم. همین الان هم با وجود این که انتقاداتی به آقای احمدی‌نژاد دارم ولی هر کمکی از دستم بریاید به دولت و همچنین مجلس و قوه قضاییه انجام می‌دهم.

حسین نیک‌پور / جام جم